

نکارش : کیخسرو کشاورز

## لهجه زرتشتیان مقیم ایران

در لهجه زرتشتیان مقیم ایران دو قسم کلمه وجود دارد ، یکی آنهائی که در زبان فارسی معمولی اصلاً استعمال نمی شوند یا اگر استعمال میشوند بکلی مفهوم دیگری دارند ، و دیگر کلماتی که با زبان فارسی معمولی هم ریشه هستند یعنی طبق قاعده کلی ( فنیك ) تغییر شکل یافته اند و در این صورت فقط تلفظ آن کلمات تغییر میکند .

در لهجه زرتشتیان مقیم کرمان بعضی حرکات بحال خود باقی مانده در صورتیکه در لهجه زرتشتیان مقیم یزد و تهران تمام حرکات تغییر یافته است مثلاً (آ) که در لهجه کرمانی بحال خود باقی مانده در لهجه یزدی و تهرانی بصورت ( O ) درآمده است .

### اینک که با تیکه در فارسی معمولی اصلاً استعمال نمیشوند

۱ - مس mass : بمعنی بزرگ و بلند هر دو تغییر معنی میدهد .

آمده است و اگر «ك» که علامت تصغیر است بدان «مطالعات» Kark كرك : یعنی مرغ خانگی

۴ - چوری Chouri یا چیری Chiri اضافه شود حرف «س» مضموم و معنی «کی بزرگ»

یا «کی بلند» را میدهد و بصورت ترکیبی نیز ممکن است استعمال شود مانند :

۵ - وج Wodge : یعنی صدا و اگر فعل باشد

معنی گفتن را میدهد مانند (Wadge) یعنی میگویم

(Om-wot) یعنی گفتم و (مه و ته Mé-Wota) یعنی گفته ام و غیره

۶ - خرم Kharm یا خم Kham یا خو Khov

معنی خواب است ولی در فعل بصورت خفتن استعمال میشود مانند Khofta یعنی خوابیده و «خفتوا

خفتوا» Khofto یعنی خوابیدم و غیره .

۷ - لب Lop یعنی دهان .

۸ - لنج Lon ge و لو Lev هر دو بمعنی لب

است ، ولی لنج معمولاً تنها استعمال میشود در صورتی

۳ - کس Kass : بمعنی کوچک و کوتاه هر دو

آمده و با اضافه کردن «ك» تصغیر مانند کلمه فوق

۲۲ - شیو Shiv بمعنی زیراست و در کلمات ترکیبی دارای معانی مختلفی میشود مسانند «شیووپشت Shiv-o-posht» بمعنی رختخواب و «وشیووری Shiv-o-ri» که معنی حقیقی آن زیروروست ولی اغلب بمعنی مجازی «قی واسپال» استعمال میشود .

۲۳ - گاو Gâv و گو Gov هر دو بمعنی پائین است .

۲۴ - گپ Gap بمعنی صحبت و حرف است .

۲۵ - شه Sha : بمعنی گریه و «شه و شیکون

Sha-o-shikoon بمعنی گریه و زاری است ولی شیکون بنهایی استعمال نمیشود .

۲۶ - چی لور Chilor : بمعنی توده سنگ ریزه و شن هر دو استعمال میشود .

۲۷ - برده Barda : بمعنی بیل است .

۲۸ - درو Druv بمعنی دروغ و درج Drodge بمعنی دروغگوست و معمولاً با کلمه دیو همراه و بعد از آن استعمال میشود در اینصورت بمعنی عمل خلاف وجدان و انسانیت و مرسوم است مثلاً در موقعیکه پسربادختری پس از نامزدی از اجرای مراسم زناشویی سر باززند میگویند عمل «دیو و درج» کرده است و گناه بزرگی شمرده میشود .

۲۹ - رمچه Ramcha یا رمنه Ramna هر دو بمعنی پنجه جانوران پنجه دار است .

۳۰ - روریجه Rooridja بمعنی روده است .

۳۱ - ین Yan بمعنی زن بمعنی اعم (مورد استعمالش خیلی کم است) و ینون Yanoon جمع آنست ولی منحصرأ بمعنی «خانمها» را میدهد نه «زوجه ها» و برای صیغه مفرد و جمع هر دو استعمال میشود .

نامام

که لوهیشه بادندان توام است مثلاً میگویند «لوو دندون» یعنی لب و دندان :

۱۰ - لك Lok و كت Cot هر دو به معنی سوراخ است ولی اولی در لهجه زرتشتیان مقیم یزد و دومی در لهجه زرتشتیان مقیم کرمان مورد استعمال دارد .

۱۱ - پچل Pachol بمعنی کثیف و نجس و در مقابل تمیز و پاک هر دو گفته میشود و پلشت Plasht با مفهوم خاصی بمعنی ناپاک است .

۱۲ - پوژ Pooz یا پود Pood بمعنی بینی و بکنافت داخل بینی هم گفته میشود .

۱۳ - گنزه Ganza بمعنی اطاق است .

۱۴ - جل Djol بمعنی پارچه و با کلمات ترکیبی بمعانی دیگری هم آمده است مانند «جلور Djol-é-var» بمعنی لباس (ور = بر) و «جل یو djol-é-yo» بمعنی رختخواب (یو = جا) و حتی برای پوشش حیوانات نیز استعمال شده است مانند «جل خر Djol-é-kher» بمعنی پالان خر .

۱۵ - خیه Khiya بمعنی تخم مرغ است . در لهجه کرمانی «خابه» تلفظ میشود . «هگ Hog» نیز بهمین معنی است و اصل آن هاک است که (آ) به (O) بدل شده .

۱۶ - چشمش Chmosh بمعنی کفش است .

۱۷ - گمیز Gomiz بمعنی اذرا است .

۱۸ - وشنه Vashna بمعنی گرسنه است .

۱۹ - کاکا Căcâ و سروا Sroa و کخ Kokh هر سه بمعنی سرفه است کخ مخصوص لهجه کرمانی است و سرفه کردن را کخ کردن میگویند .

۲۰ - هزه Hézé بمعنی دیروز و این ازه Inazé بمعنی پرروز است .

۲۱ - هر دو Herdo بمعنی فـ -ردا و وپش هر دو Pesh-herdo بمعنی پس فردا است .